

بسم الله الرحمن الرحيم

تاریخ: ۱۳۹۷/۱۰/۲۹

موضوع: «فضائل حضرت زهرا؛ دفاع حضرت زهرا از امیر المومنین علیه السلام»

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين و هو خير ناصر و معين الحمد لله
و الصلاة على محمد رسول الله و على آله آل الله لاسيما على مولانا بقية الله و اللعن الدائم على اعدائهم
اعداء الله إلى يوم لقاء الله، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ.

خدا را بر تمام نعمت‌هایش بویژه نعمت ولایت سپاس می‌گوییم و شهادت مظلومانه صدیقه طاهره (سلام الله
علیها) را به پیشگاه فرزند گرامی‌اش مولایمان بقية الله الاعظم (ارواحنا لتراب مقدمه الفداء) و به همه علاقمندان
و دلباختگان اهل بیت عصمت و طهارت و شما گرامیان تسلیت و تعزیت عرض می‌کنم. خدا را به آبروی این
بزرگ بانوی دو سرا سوگند می‌دهم پاداش ما را در این مصیبت جانکاه فرج موفور السرور مولایمان حضرت
ولیعصر قرار بدهد و همه ما را از یاران خالص و سربازان فداکار و شهدای رکابش قرار دهد.

ایام، ایام فاطیمه و شب شهادت صدیقه طاهره (سلام الله علیها) است و سخن عمدتاً پیرامون ابعاد وجودی این
سیده نساء العالمین است. گرچه سخن گفتن در رابطه با این بزرگ بانو برای امثال ما خیلی سخت و دشوار
است. در حق صدیقه طاهره باید فرزند بزرگوارش حضرت مهدی آل محمد (صلوات الله علیهم اجمعین) که علوم
ایشان از سرچمه‌ی وحی برگرفته است سخن بگوید. اوست که می‌تواند نسبت به صدیقه طاهره حق مطلب را ادا
کند و پرده از ابعاد وجودی واقعی و حقیقی سیده نساء اهل الجنة اجمعین بردارد.

ولی ما هم برای این که زبان‌مان را به نام نامی‌اش متبرک کنیم و جلسات مان را با ذکر فضائل و ابعاد وجودیش
مؤثر کنیم از باب «ما لا یدرک کله، لا یترک کله»، نکاتی را تقدیم می‌کنیم.

آن طوری که یادم است سال گذشته، شب شهادت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) در همین جا در محضر فاطمه معصومه (سلام الله علیها) مطالبی را عرض کردم. تعداد زیادی از عزیزانی که امشب در محفل ما هستند سال گذشته هم بودند. من به صورت مختصر و فهرست وار نکات سال گذشته را مرور می‌کنم بعد بعضی از مطالبی که به ذهنم می‌رسد و ضرورت دارد خدمت شما تقدیم می‌کنم.

بحث در رابطه با صدیقه طاهره از جهات مختلف قابل بررسی است. یکی از ابعاد وجودی فاطمه زهرا (سلام الله علیها) ملاک حقانیت امیرالمؤمنین و معیار حق از باطل و ملاک حقانیت شیعه در برابر دیگر مذاهب است.

روایات و احادیثی که از نبی مکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) در کتب شیعه و اهل سنت آمده نشانگر این است که این احادیث فقط به عنوان یک فضیلت و برتری صادر نشده، به عنوان این که دختر رسول اکرم است صادر نشده، این روایات در رابطه با بحث اَبَوْت و بنوْت نیست، نبی مکرم بنا به نقل بسیاری از علما از شیعه و سنی دارای هشت فرزند به نام‌های: «قاسم»، «طیب»، «طاهر»، «ابراهیم»، «زینب»، «رقيه»، «ام کلثوم» و «زهرا» مرضیه سلام الله علیها» بوده، چهار پسر و چهار دختر!

آنچه که به ذهن می‌رسد و حقیقت هم همین است، سخنانی که از زبان رسول اکرم در حق فاطمه زهرا وارد شده، عمدتاً ناظر به این است که بعد از رحلت نبی مکرم، اختلافی که در میان امت ایجاد می‌شود که خود رسول اکرم بارها از این اختلاف خبر داده بود:

«وَتَفْتَرِقُ أُمَّتِي عَلَى ثَلَاثٍ وَسَبْعِينَ مِلَّةً كُلَّهُمْ فِي النَّارِ إِلَّا مِلَّةً وَاحِدَةً»

الترمذی السلمي، ابوعیسی محمد بن عیسی (متوفای ۲۷۹هـ)، سنن الترمذی، ج ۴، ص ۱۳۵، تحقیق: عبد الرحمن محمد عثمان، ناشر: دار الفكر للطباعة والنشر والتوزیع - بیروت، چاپ دوم، ۱۴۰۳ق.

«وتفترق هذه الأمة على ثلاث وسبعين كلها في النار إلا واحدة»

المستدرک علی الصحیحین ، اسم المؤلف: محمد بن عبدالله أبو عبدالله الحاكم النيسابوري الوفاة: ٤٠٥ هـ ، دار النشر : دار الكتب العلمية - بيروت - ١٤١١هـ - ١٩٩٠م ، الطبعة : الأولى ، تحقيق : مصطفى عبد القادر عطا، ج ١، ص ٤٤٣

استوانه‌های علمی اهل سنت، مثل «ترمذی» در صحیحش جلد ٤ صفحه ١٣٥ و «حاکم نیشابوری» در «المستدرک علی الصحیحین»، جلد ١ صفحه ٦ و صفحه ١٢٩ با سند صحیح این روایت را نقل کرده‌اند. در منابع شیعه هم در بیش از ٣٠ تا ٣٥ روایت مسند و بعضا صحیح این عبارت آمده که حضرت فرمودند بعد از من امت دچار اختلاف و چند دستگی می‌شوند، آمار این‌ها به هفتاد و سه فرقه می‌رسد و هفتاد دو فرقه، فرقه‌ی هالکه و گرفتار آتش جهنم هستند، فقط یک فرقه، فرقه‌ی ناجیه است. شاید یکی از عللی که حضرت فرمود:

«فاطمة بضعة مني فمن أغضبها أغضبني»

فاطمه پاره‌ی وجود من است و رضایت فاطمه، رضایت من و غضب فاطمه، غضب من است!

الكتاب المصنف في الأحاديث والآثار ، اسم المؤلف: أبو بكر عبد الله بن محمد بن أبي شيبه الكوفي الوفاة: ٢٣٥ ، دار النشر : مكتبة الرشد - الرياض - ١٤٠٩ ، الطبعة : الأولى ، تحقيق : كمال يوسف الحوت، ج ٦، ص ٣٨٨

همین باشد. «حاکم نیشابوری» با سند صحیح در «مستدرک» جلد ٣ صفحه ١٣٤ از قول نبی مکرم نقل می‌کند:

«قال رسول الله صلى الله عليه وسلم لفاطمة إن الله يغضب لغضبك ويرضى لرضاك»

خدای عالم با غضب تو خشمگین می‌شود و با رضایت تو خشنود می‌شود

المستدرک علی الصحیحین ، اسم المؤلف: محمد بن عبدالله أبو عبدالله الحاكم النيسابوري الوفاة: ٤٠٥

هـ ، دار النشر : دار الكتب العلمية - بيروت - ١٤١١هـ - ١٩٩٠م ، الطبعة : الأولى ، تحقيق : مصطفى عبد

القادر عطا، ج ٣، ص ٤٧٣٠

این مطلب می‌رساند که رسول اکرم می‌خواهد برای بعد از خود الگو معرفی کند، در میان مردمی که اختلاف افتاده، تشخیص حق از باطل دشوار است. در یک طرف امیرالمؤمنین (سلام الله علیه)، «ابن عباس»، «ابوذر»، «سلمان» و «عمار» و در طرف دیگر افراد دیگری هستند، برای خیلی‌ها حق مشتبه می‌شود، حتی برای بعضی از خُصّصین قضیه مشتبه بود؛ ولی در زمان حیات نبی مکرم سخن پیغمبر فصل الخطاب است و آخرین سخن از زبان مبارک رسول اکرم بیرون می‌آید. بعد از رسول اکرم هم باید کسی باشد، قائم مقام رسول الله، سخن او سخن رسول خدا تلقی شود و لذا رسول اکرم با این جمله‌ای که فرمود: فاطمه پاره‌ی وجود من است، نه پاره‌ی تن من! نمی‌گوید «فاطمة بضعة من جسدی و من بدنی» بلکه می‌فرماید: «فاطمة بضعة منی»؛ فاطمه پاره‌ای از وجود من است! غضب او غضب من است و رضایت او رضایت من است.

یا تعبیری که «مسلم» در صحیح خودش جلد ٧ صفحه ١٤١، حدیث ٦٢٠٢ دارد:

«فَإِنَّمَا ابْنَتِي بَضْعَةٌ مِنِّي يَرِينِي مَا رَأَيْتَهَا وَيُؤْذِينِي مَا آذَاهَا»

آنچه که زهرا را اذیت کند من پیغمبر را اذیت کرده و آنچه که برای حضرت زهرا دشواری ایجاد کند موجب دشواری من است.

النيسابوري القشيري، ابوالحسين مسلم بن الحجاج (متوفای ٢٦١هـ)، صحیح مسلم، ج ٧، ص ١٤١؛ ناشر:

دار الفكر - بيروت، بی‌تا.

یا تعبیری که «بخاری» در صحیح خودش جلد ۴، صفحه ۲۱۰، حدیث ۳۷۱۴ دارد:

«فَاطِمَةُ بَضْعَةٌ مِنِّي فَمَنْ أَغْضَبَهَا أَغْضَبَنِي»

البخاری الجعفی، محمد بن إسماعیل (متوفای ۲۵۶هـ)، صحیح البخاری، ج ۴، ص ۲۱۰، ناشر: دار الفکر، بیروت، ۱۴۰۱ ق.

ایشان در حقیقت یک الگویی برای جامعه اسلامی بعد از نبی مکرم است، نکته‌ی جالب و حساس این است که در کنار روایت «فَاطِمَةُ بَضْعَةٌ مِنِّي فَمَنْ أَغْضَبَهَا أَغْضَبَنِي»؛ «یا فاطمة إن الله یغضب لغضبك ویرضی لرضاک» می‌بینیم در صحاح عزیزان اهل سنت این تعبیر به وفور نقل شده است:

«فَعَضِبْتُ فَاطِمَةَ بِنْتُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَهَجَرْتُ أَبَا بَكْرٍ فَلَمْ تَزَلْ مُهَاجِرَتَهُ حَتَّى تُؤْفَيْتِ»

البخاری الجعفی، محمد بن إسماعیل (متوفای ۲۵۶هـ)، صحیح البخاری، ج ۴، ص ۴۲، ناشر: دار الفکر، بیروت، ۱۴۰۱ ق.

بخاری در صحیح خودش جلد ۴ صفحه ۴۲، حدیث ۳۰۹۳ این روایت را نقل می‌کند. این برای بسیاری از بزرگان اهل سنت مشکل ایجاد کرده است که چگونه می‌شود فاطمه‌ی زهرایی که پاره‌ی وجود پیغمبر است و رضایت او رضایت پیغمبر و غضب او غضب پیغمبر است بر خلیفه وقت غضب می‌کند؟! غضبی که تا آخرین لحظات عمرش از این غضب منصرف نمی‌شود!

بزرگان و اندیشمندان اهل سنت در این روایت به چالش کشیده شده و به تحیر افتاده‌اند و نمی‌دانند چه کار کنند؟ تعدادی آمده‌اند حدیث را انکار کرده‌اند بعد می‌بینند که در صحاح‌شان آمده راهی برای گریز از این کار نیست. تعدادی هم آمده‌اند تأویل کرده‌اند و تعدادی هم آمده‌اند توجیه کرده‌اند که این روایت در حقیقت به ضرر امیرالمؤمنین بوده، نبی مکرم این روایت را در شأن علی بیان فرموده است!

بعضی‌ها هم گفته‌اند بله « الله اعلی و اجل ان یرضی لرضا عبد او یغضب لغضب عبد!» آقای «عرعور» که یکی از کارشناسان مشهور وهابی است در شبکه‌های ماهواره‌ای مرتب این تعبیر را به کار می‌برد!

شما ببینید یکی از کتاب‌های خیلی با ارزشی که در این اواخر نوشته شده کتاب «موسوعة من حیاة المستبصرین» در ۱۴- ۱۵ جلد است. این کتاب در «مرکز ابحات عقایدیه» زیر نظر «حضرت آیت الله العظمی سیستانی حفظه الله» نوشته شده است. این کتاب شرح حال هزاران «مستبصر» را در این ۴۰ - ۵۰ سال اخیر آورده است، عمده‌ی اندیشمندان، علماء، بزرگان و اساتید دانشگاهها از وهابی و اهل سنت به برکت همین حدیث به مذهب اهل بیت کشیده شده‌اند. یکی از آن‌ها کتاب مستقلی به نام «بنور فاطمة اهتدیت» - من به نور فاطمه هدایت یافتم - نوشته است.

لذا با توجه به این قضیه، یکی از مسائلی که باید خوب عزیزان و برزگان و جوانان شیعه روی آن تأکید کنند و توجه داشته باشند این قضیه است که فاطمه زهرا ملاک حقانیت اهل بیت و ملاک حقانیت شیعه است.

دفاع حضرت زهرا (سلام الله علیها) از حریم ولایت

نکته‌ی دیگری که ما باید روی آن توجه کنیم دفاع جانانه‌ی صدیقه طاهره از حریم ولایت است. از همان لحظه‌ای که حق مسلم امیرالمؤمنین غصب گردیده، صدیقه طاهره با تمام توان در صحنه حاضر شده و با تمام قدرت از ولایت علی دفاع کرده است و از تمام ظرفیت‌های موجود آن روز استفاده کرده است.

در مسجد می‌آید بر سر «مهاجرین و انصار» فریاد می‌زند:

«هل ترک ابي یوم غدیر خم لأحد عذرا»

الخصال - الشیخ الصدوق - ص ۱۷۳

آیا با آن توصیه‌هایی را که پدرم در «غدیر خم» کرد با آن جمعیت انبوهی که در آن جا بود دیگر عذری برایتان باقی می‌ماند؟

جمعیت آن روز را بعضی مانند «سبط ابن جوزی» ۱۲۰ هزار نفر تخمین زده‌اند! این عبارت را «مرحوم شیخ صدوق» در «خصال» جلد ۱، ص ۱۷۳ آورده است و مرحوم «طبرسی» در «احتجاج» جلد ۱، صفحه ۱۰۵ تعبیر دیگری دارد:

«كَأَنَّكُمْ لَمْ تَعْلَمُوا مَا قَالَ يَوْمَ غَدِيرِ حُجِّمٍ»

گویا شما فراموش کرده‌اید و نمی‌دانید پیغمبر در غدیر خم درباره علی چه گفته است!

الطبرسی، ابي منصور أحمد بن علي بن أبي طالب _متوفای ۵۴۸ ق_، الاحتجاج، ج ۱، ص ۵۰۱، تحقیق: تعليق وملاحظات: السيد محمد باقر الخرسان، ناشر: دار النعمان للطباعة والنشر - النجف الأشرف، ۱۳۸۶ - ۱۹۶۶ م.

یا تعبیری که در منابع اهل سنت آمده، این جای تعجب است که آقای «محمد ابن عمر اصفهانی مدینی» متوفای ۵۸۱ کتابی به نام «نزهة الحفاظ» دارد در جلد ۱، صفحه ۱۰۱ خطبه‌ی صدیقه طاهره را نقل می‌کند ایشان احتجاج فاطمه زهرا را این طوری آورده است:

«أنسیتم قول رسول الله صلى الله عليه وسلم يوم غدیر خم من كنت مولاة فعلي مولاة وقوله عليه السلام لعلي أنت مني بمنزلة هارون من موسى عليهما السلام»

نزهة الحفاظ ، اسم المؤلف: محمد بن عمر الأصبهاني المدني أبو موسى الوفاة: ۵۸۱ ، دار النشر : مؤسسة الكتب الثقافية - بيروت - ۱۴۰۶ ، الطبعة : الأولى ، تحقيق : عبد الرضى محمد عبد المحسن، ج

این سوال مطرح است از میان این همه احادیث درباره امیرالمؤمنین، مانند: «حدیث خلافت»، «حدیث وصایت»، «حدیث منزلت»، «حدیث امامت»، «حدیث رایت» و دهها حدیثی که رسول اکرم در شأن علی بیان کرده است صدیقه طاهره عمدتاً به «حدیث غدیر» احتجاج می‌کند!

شاید رمزش این باشد، حادثه «غدیر» و معرفی امیرالمؤمنین برای ولایت و امامت فاصله‌ی چندانی با رحلت نبی مکرم ندارد! از هجدهم ذی الحجة تا زمان رحلت پیامبر بیش از هفتاد یا هفتاد و دو روز نمی‌گذرد و مردم هنوز فراموش نکرده‌اند. فضای غدیر هنوز در اذهان مردم است. سخنان نبی مکرم در فضای جامعه اسلامی هنوز طنین افکن است. در مجالس و محافل سخنان نبی مکرم نقل می‌شود؛ لذا صدیقه طاهره عمدتاً روی حدیث غدیر تکیه می‌کند.

اضافه بر این در «حدیث منزلت» تعداد اندکی شاهد بودند، در «حدیث رایت» تعداد اندکی در قضیه «جنگ احزاب» بودند. یا در قضیه‌ی فرمایش پیامبر:

« لمبارزة علي بن أبي طالب لعمر بن عبد ود يوم الخندق أفضل من اعمال أمتي إلى يوم القيامة »

الحاكم النيسابوري، ابو عبدالله محمد بن عبدالله (متوفای ۴۰۵ هـ)، المستدرک علي الصحيحین، ج ۳، ص ۳۲، تحقیق: یوسف عبد الرحمن المرعشلي، دار المعرفة، بیروت.

تعداد اندکی از رزمندگان بودند و شنیدند. «حدیث وصایت» را پیغمبر اکرم در سال سوم هجری؛ یعنی ۲۰ سال قبل مطرح کرده شاید این‌ها از اذهان پاک شده و مردم فراموش کرده‌اند؛ ولی «حدیث غدیر» را فراموش نکرده‌اند.

اضافه بر این نبی مکرم در «غدیر» با الفاظ مختلف و با عبارتهای متعدد ولایت و امامت حضرت علی را مطرح کرده:

«من كنت مولاہ فعلی مولاہ»

الكتاب المصنف في الأحاديث والآثار ، اسم المؤلف: أبو بكر عبد الله بن محمد بن أبي شيبة الكوفي
الوفاة: ۲۳۵ ، دار النشر : مكتبة الرشد - الرياض - ۱۴۰۹ ، الطبعة : الأولى ، تحقيق : كمال يوسف
الحوت، ج ۶، ص ۳۶۶

«من كنت وليه فعلی وليه»

فضائل الصحابة ، اسم المؤلف: أحمد بن حنبل أبو عبد الله الشيباني الوفاة: ۲۴۱ ، دار النشر : مؤسسة
الرسالة - بيروت - ۱۴۰۳ - ۱۹۸۳ ، الطبعة : الأولى ، تحقيق : د. وصي الله محمد عباس، ج ۲، ص ۵۶۳

«فمن كنت أولى به من نفسه فعلی أولى به من نفسه»

الهداية - الشيخ الصدوق - ص مقدمة لجنة التحقيق ۱۵۶

گلايه من از بعضی از عزیزان این است که از «حدیث غدیر» فقط «من كنت مولاہ فعلی مولاہ» در نزد ما مانده
است! اما نبی مکرم در فاصله‌ی بین نماز ظهر و عصر که حداقل دو ساعت فاصله بوده در این دو ساعت خطبه‌ای
که بیان می‌کند با الفاظ متعدد و با عبارتهای مختلف است. به تعبیر صدیقه طاهره «هل ترك أبي يوم غدیر
خم لاحد عذرا!»

لذا روی این جهت صدیقه طاهره «حدیث غدیر» را مطرح می‌کند. و مسأله‌ی بالاتر اینکه در رابطه با دیگر
احادیث ولایت از «حدیث وصایت»، «و حدیث خلافت» و «و حدیث ولایت» و... نبی مکرم از کسی بیعت
نگرفت؛ ولی در «غدیر» از تمام افراد از این ۱۲۰ هزار نفر بیعت گرفت. حتی از زنان صحابه همان‌گونه که در
«بیعت عقبه» نبی مکرم خواست زنان بیعت کنند و طشتی را پر از آب کرد، نبی مکرم دست مبارکش را در
درون آب گذاشت و زنها هم به عنوان بیعت دست در داخل طشت آب می‌کردند، در «منطقه غدیر خم» هم به

همین شکل رسول اکرم دستور داد طشتی را پر از آب کردند علی ابن ابیطالب دست در درون آب گذاشت، زنان صحابی یکی پس از دیگری به عنوان بیعت با امیرالمؤمنین دست در درون آب گذاشتند و بیعت کردند؛ یعنی قضیه به این قدرت و استحکام انجام شد که اصلاً تصور نمی شد قضیه «غدیر» به زودی فراموش شود! به تعبیر صدیقه طاهره که می فرماید: «أنسیتم قول رسول الله صلى الله عليه وسلم يوم غدیر خم من كنت مولاه فعلي مولاه»!!

نکته دیگری که مطرح است نزول ۳ آیه مستقل با تصریح بزرگان اهل سنت و شیعه در رابطه با «غدیر» است. آیه ۶۷ سوره مائده:

يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ

ای پیامبر! آنچه از طرف پروردگارت بر تو نازل شده است، کاملاً (به مردم) برسان! و اگر نکنی، رسالت او را انجام نداده ای!

سوره مائده (۵): آیه ۶۷

دوستان عزیز تقاضا دارم به این مطلب دقت کنید «جلال الدین سیوطی» متوفای ۹۱۱ که از مفسران پر آوازه ای اهل سنت است در «کتاب در المنثور» جلد ۲، صفحه ۲۹۸، آقای «شوکانی سلفی» در «فتح القدیر» جلد ۲، صفحه ۶۰ و آقای «آلوسی» سلفی العقیده در «روح المعانی»، جلد ۶، صفحه ۱۹۳ از قول «عبدالله ابن مسعود» مفسر عصر صحابه نقل می کنند:

«کنا نقرأ علی عهد رسول الله (صلى الله عليه وسلم) يا أيها الرسول بلغ ما أنزل اليك من ربك إن عليا ولي المؤمنين وإن لم تفعل فما بلغت رسالته»

روح المعاني في تفسير القرآن العظيم والسبع المثاني ، اسم المؤلف: العلامة أبي الفضل شهاب الدين
السيد محمود الألوسي البغدادي الوفاة: ١٢٧٠هـ ، دار النشر : دار إحياء التراث العربي - بيروت، ج ٦، ص

١٩٣

می گوید ما این آیه را در زمان پیغمبر این طوری می خواندیم! حالا این که تحریف، یا تصحیف و هرچه است به
عهده خودشان است.

ای پیغمبر به مردم اعلام کن، علی ولی امر مؤمنین است در غیر این صورت رسالت ناتمام و تلاش های ۲۳
ساله تو به ثمر ننشسته است، بحث ولایت این است! این چیزی کوچک نیست.

«من مَاتَ بِغَيْرِ إِمَامٍ مَاتَ مِثْلَ جَاهِلِيَّةٍ»

مسند الإمام أحمد بن حنبل ، اسم المؤلف: أحمد بن حنبل أبو عبدالله الشيباني الوفاة: ۲۴۱ ، دار النشر :

مؤسسة قرطبة - مصر، ج ٤، ص ٩٦

همین را تأیید می کند!

«وَلَمْ يَنَّاذَ بِشَيْءٍ كَمَا نُودِي بِالْوَلَايَةِ»

کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، الکافی (ط - الإسلامية)، ٨ جلد، دار الکتب الإسلامية - تهران،

چاپ: چهارم، ١٤٠٧ ق، ج ٢؛ ص ١٨

هم همین را تأیید می کند!

«شیخ طوسی» در مورد آیه ٥٥ سوره مائده:

(إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ)

سرپرست و ولي شما، تنها خداست و پیامبر او و آنها که ایمان آورده‌اند؛ همانها که نماز را برپا می‌دارند، و در حال رکوع، زکات می‌دهند.

می‌گوید قوی‌ترین دلیل شیعه بر ولایت و امامت حضرت علی این آیه است!

«إِنَّمَا النَّصُّ عَلَى إِمَامَتِهِ مِنَ الْقُرْآنِ فَأَقْوَى مَا يَدُلُّ عَلَيْهِ قَوْلُهُ تَعَالَى: (إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ) وَوَجْهَ الدَّلَالَةِ مِنَ الْآيَةِ»

الطوسي، الشيخ ابوجعفر، محمد بن الحسن بن علي بن الحسن متوفى ٤٦٠هـ)، تلخيص الشافى، ج ٢، ص ١٠، تقديم و تعليق: سيد حسين بحر العلوم، انتشارات محبين، چاپ اول.

«طبری» در تفسیرش، جلد ٦، صفحه ٣٩٠ با سند صحیح نقل می‌کند این آیه در حق علی نازل شده است. و نیز «ابن ابی حاتم» در تفسیرش جلد ٤، صفحه ١١٦٢ می‌گوید این آیه در حق علی نازل شده است. و همین‌طور آقای «آلوسی» در «روح المعانی» جلد ٦، صفحه ١٦٧ و ١٨٦ ادعای اجماع می‌کند:

«وغالب الأخباريين على أنها نزلت في علي كرم الله»

«والآية عند معظم المحدثين نزلت في علي كرم الله تعالى وجهه»

روح المعاني في تفسير القرآن العظيم والسبع المثاني ، اسم المؤلف: العلامة أبي الفضل شهاب الدين السيد محمود الألوسي البغدادي الوفاة: ١٢٧٠هـ ، دار النشر : دار إحياء التراث العربي - بيروت، ج ٦، ص ١٦٧ و ١٨٦

از این تعبیر بالاتر!

و آیه سوم سوره مائده:

«الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا»

امروز، دین شما را کامل کردم؛ و نعمت خود را بر شما تمام نمودم؛ و اسلام را به عنوان آیین (جاودان)

شما پذیرفتم

سوره مائده (۵) آیه ۳

در منابع شیعه بیش از ۶۰ روایت از ائمه (علیهم السلام) یافتیم که ائمه از خود حضرت علی گرفته تا امام عسکری برای «حقانیت امامت و وصایت و ولایت علی ابن ابیطالب» به آیه سوم سوره مائده استشهاد و احتجاج می‌کنند.

در منابع اهل سنت هم من حدود ۱۴-۱۵ روایت پیدا کردم که یکی از این‌ها را آقای «خطیب بغدادی» در «تاریخ بغداد» جلد ۸، صفحه ۲۸۴ با سند صحیح از «ابوهریره» نقل می‌کند.

علت این‌که صدیقه طاهره «غدیر» را عَلَم می‌کند شاید یکی از علل آن همین مسأله باشد که سه آیه‌ی مستقل در رابطه با علی نازل شده است.

نکته دیگر خطبه عَرَا و آتشی‌نی است که صدیقه طاهره در مسجد در برابر مهاجرین و انصار مطرح می‌کند، الان من نمی‌خواهم ابعاد دیگری این خطبه را در این‌جا گوشزد کنم؛ ولی من چند عبارت از این خطبه را می‌خواهم بیاورم تا ان شاء الله مورد رضایت و پذیرش بی‌بی‌بی دو عالم حضرت فاطمه معصومه باشد و ان شاء الله با صلّه و بزرگواری این بانوی دو سرا مواجه شویم!

تعبیر حضرت صدیقه طاهره بنا بر آنچه که آقای «عمر رضا کحاله» در «اعلام النساء» دارد و نیز «ابن ابی طیفور» متوفای ۲۸۰ و از بزرگان اهل سنت که معاصر امام هادی و امام عسکری (علیهما السلام) است در

«بلاغات النساء» دارد. این خطبه چیزی نیست که بیایند روی آن ایراد بگیرند بگویند مثل «ابن ابی الحدید» در قرن هفتم و هشتم درست شده، یا بگویند «سید رضی» در قرن هفتم این خطبه را جمع کرده است، این طوری نیست!

اول کسی که بنده یافتم این خطبه را نقل می‌کند «ابن ابی طیفور» متوفای ۲۸۰ است در آنجا مطالب زیادی است من جمله:

«زعمتم حقا لكم الله فيكم عهد قدمه إليكم»

تا آنجا که می‌گوید:

«ونحن بقية استخلفنا عليكم»

ما دودمانی هستیم که نبی مکرم خلافت ما را برای شما تثبیت کرده و بارها سخن خلافت ما را برای شما بیان فرموده

«ومعنا كتاب الله»

قرآن و کتاب خدا، با ما هست و ما با کتاب الهی هستیم!

بلاغات النساء - ابن طيفور - ص ۱۶

اجازه بدهید من در اینجا این نکته را بویژه از منابع اهل سنت نقل کنم، برای این که هم عقیده و مبانی فکری بچه شیعه‌های ما تقویت بشود، که شیعه سرش را بلند کند ادله حقانیتش نه تنها در کتب شیعه، در کتب اهل سنت هم با سندهای صحیح نقل شده است، این مایه مباهات شیعه است.

در مورد بحث خلافت، آقای «طبری» متوفای ۳۱۰ که تاریخش از معتبرترین تاریخ‌های اهل سنت است، حتی «ابن تیمیه حرانی» مفسدِ فاسدِ ضالّ مصلّ وقتی که به «طبری» می‌رسد هم از تفسیر و هم از تاریخش تجلیل می‌کند و هم از شخصیتش تجلیل می‌کند.

«تاریخ طبری» ج ۱، ص ۵۴۳ قضیه خلافت و وصایت علی را سال سوم بعثت؛ یعنی اول روزی که نبی مکرمّ مأمور می‌شود که رسالتش را علنی کند در کنار توحید در کنار رسالت، ولایت حضرت علی را مطرح می‌کند.

«فأخذ برقبتي ثم قال إن هذا أخي ووصي وخليفتي»

در یک جمع ۴۰ نفره از سران «قریش» اعلام می‌کند: آی مردم، این برادر من و وصی و جانشین و خلیفه من است.

تاریخ الطبري ، اسم المؤلف: لأبي جعفر محمد بن جرير الطبري الوفاة: ۳۱۰ ، دار النشر : دار الکتب

العلمية - بيروت، ج ۱، ص ۵۴۳

سند هم از نظر مبانی «رجالی» اهل سنت صد در صد صحیح است و خدش‌های در روایت سند نیست!

«حاکم نیشابوری» ج ۳، ص ۱۱۰ نقل می‌کند می‌گوید این روایت شرائط «صحیح مسلم» را دارد «ذهبی» هم روایت را تصحیح می‌کند «ذهبی» که به تعبیر شاگردش آقای «سخاوی» می‌گوید استاد ما ناصبی بوده و به حق هم راست می‌گوید! «ذهبی» تلاش می‌کند روایات مربوط به خلافت امیر المؤمنین را توجیه کند! وقتی نمی‌تواند توجیه بکند اشکال سندی می‌کند، اشکال سندی نمی‌تواند بکند، اشکال دلالی می‌کند. اگر اشکال دلالی و سندی هم نتوانست بکند، می‌گوید:

«يشهد القلب انه باطل»

قلب من «ذهبی» شهادت می‌دهد این روایت باطل است!

الذهبي الشافعي، شمس الدين محمد بن أحمد بن عثمان (متوفى ٧٤٨ هـ)، ميزان الاعتدال في نقد الرجال، ج ١، ص ٨٢، تحقيق: البجاوي، علي محمد، ناشر: دار المعرفة، بيروت.

من نمی‌دانم این چه مبنایی است! من عرض کردم ما با یکی از دانشجوها در کنار «بیت الله الحرام» بحث می‌کردیم گفتم شما در «مبانی رجالی» تان یک قاعده «رجالی» جدید اضافه کنید بعد از این که بررسی سندی کردید روایت صد در صد صحیح بود بنویسید «هل الذهبي شهد قلبه على صحته ام لا»؛ قلب «ذهبی» هم شهادت داده این روایت صحیح است! شما ببینید این «میزان الاعتدال» که به قول علامه «امینی» می‌گوید این میزان و ترازوی ایشان سر داشته یعنی این طرف و آن طرفش میزان نبوده نامیزان «ذهبی» است! ایشان در ج ١، ص ٨٢ همین روایت را بارها شنیده‌اید:

«حبيبك حبيبي وحبيبي حبيب الله وعدوك عدوي وعدوي عدو الله»

المستدرک علی الصحیحین ، اسم المؤلف: محمد بن عبدالله أبو عبدالله الحاكم النيسابوري الوفاة: ٤٠٥ هـ ، دار النشر: دار الكتب العلمية - بيروت - ١٤١١هـ - ١٩٩٠م ، الطبعة: الأولى ، تحقيق: مصطفى عبد القادر عطا، ج ٣، ص ١٣٨

با این که این را «حاکم نیشابوری» می‌گوید صحیح است دیگران گفتند روایت صد در صد صحیح است اما ایشان می‌گویند:

«يشهد القلب انه باطل»

قلب من «ذهبی» شهادت می‌دهد که این روایت باطل است.

ولی همین «ذهبی» که حدیث

«إنه لا ينبغي أن أذهب إلا وأنت خليفتي»

که آقای «حاکم نیشابوری» در «مستدرک» ج ۳، ص ۱۱۰ نقل می‌کند می‌گوید «صَحِيْحُ عَلِيٍّ شَرَطَ مُسْلِمًا» در «تلخیصش» شهادت داده روایت صحیح است، آقای «البانی» در کتاب «السنه ابن ابی عاصم» روایت را با این تعبیر می‌آورد

« أنت خليفتي في كل مؤمن من بعدي »

تو بعد از من خلیفه من در حق تمام مؤمنین هستی!

السنة ، اسم المؤلف: عمرو بن أبي عاصم الضحاك الشيباني الوفاة: ۲۸۷ ، دار النشر : المكتب الإسلامي

- بيروت - ۱۴۰۰ ، الطبعة : الأولى ، تحقيق : محمد ناصر الدين الألباني، ج ۲، ص ۵۶۵

این کاملاً نشان می‌دهد بحث خلافتی که صدیقه طاهره می‌فرماید:

«ونحن بقية استخلفنا عليكم»

بلاغت النساء ، اسم المؤلف: أبو الفضل أحمد بن أبي طاهر ابن طيفور (المتوفى : ۲۸۰هـ) الوفاة: ۲۸۰ ،

دار النشر : ج ۱، ص ۷

از همان روزهای آغازین رسالت نبی مکرم محمد (صلی الله علیه وآله وسلم) این موضوع در میان مردم بدون کوچک‌ترین مسئله‌ی مطرح بود.

یا روایت دیگری که خیلی جالب و زیبا هست در مورد حدیث «ثقلین» این‌ها می‌گوید پیغمبر فرمود: «انی تَارِكٌ

فِيكُمْ خَلِيفَتَيْنِ كِتَابِ اللَّهِ وَسُنَّتِي!»! با این‌که «حاکم نیشابوری» می‌گوید این روایت ضعیف است آقای «سقاف»

از علمای بزرگ و پر آوازه «اردن» می‌گوید این روایت جعلی است، دشمنان حضرت علی این روایت را برای

مقابله با حدیث صحیح «انی تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ كِتَابِ اللَّهِ وَعَثْرَتِي» جعل کردند.

ولی این روایتی که من می‌خواهم عرض کنم بدل هم درست نکردند یادشان رفته «ذهبی» هم قلبش فراموش کرده شهادت بر بطلانش بدهد! روایت این است که پیغمبر اکرم فرمود:

«إني قد تركت فيكم خليفتين كتاب الله وعترتي أهل بيتي وإنهما يردان علي الحوض»

من در میان شما دو خلیفه می‌گذارم و می‌روم اول کتاب خدا، دوم عترت و اهل بیت من!

فضائل الصحابة ، اسم المؤلف: أحمد بن حنبل أبو عبد الله الشيباني الوفاة: ٢٤١ ، دار النشر : مؤسسة

الرسالة - بيروت - ١٤٠٣ - ١٩٨٣ ، الطبعة : الأولى ، تحقيق : د. وصي الله محمد عباس، ج ٢، ص ٢٨٦

آقای «احمد ابن حنبل» این روایت را در کتاب «فضائل الصحابه» و هم در کتاب «مسندش» با تحقیق «شعیب الأرناؤوط» در جلد ١٦، صفحه ٢٨ نقل می‌کند. وهابی سرشناس عصر ما! آقای «ارنؤوط» هم می‌گوید روایت معتبر است.

«انى تاركٌ فيكم خليفَتينِ كتابُ اللهِ حبلٌ ممدودٌ ما بين السماء والأرض أو ما بين السماء إلى الأرض وعترتي أهل بيتي وإيهما لن ينفَرًا حتى يردا على الحوض»

مسند الإمام أحمد بن حنبل ، اسم المؤلف: أحمد بن حنبل أبو عبد الله الشيباني الوفاة: ٢٤١ ، دار النشر :

مؤسسة قرطبة - مصر، ج ٥، ص ١٨١

دیگر این‌ها یادشان رفته «انى تاركٌ فيكم خليفَتينِ كتابُ اللهِ وسنتي»! درست کنند البته در کتب شیعه هم مرحوم «شیخ صدوق» در «کمال الدین» این را از «زید ابن ثابت» از نبی مکرم نقل می‌کند فرمود:

«إني تاركٌ فيكم خليفَتينِ كتابُ اللهِ وعترتي أهل بيتي فإنهما لن ينفَرًا حتى يردا على الحوض»

ابن بابويه، محمد بن علی، کمال الدین و تمام النعمة، ٢جلد، اسلامیه - تهران، چاپ: دوم، ١٣٩٥ق. ج ١؛

ص ٢٤٠

من دو جانشین در میان شما می‌گذارم و می‌روم، نه ثقلین بلکه خلیفتین! کتاب و عترت و اهل‌بیت، در کنار کلمه عترت، اهل‌بیت می‌آید این آقایان می‌گویند عترت، همان فامیل‌ها و بنی‌هاشم و زنان پیغمبر هم بوده نه «عترت و اهل‌بیت» و این دو تا قیام قیامت از هم جدا نمی‌شوند، در کنار حوض این‌ها به من ملحق خواهند شد.

این قضایا مفصل هست، امیر المؤمنین (سلام الله علیه) در چندین روایت در برابر صحابه به همین حدیث خلیفتین و حدیث ثقلین استناد و احتجاج می‌کند؛ دوستان به کتاب «کمال الدین» «شیخ صدوق (رضوان الله تعالی علیه)» جلد ۱، صفحه ۲۷۴ مراجعه کنند، سند هم صد در صد صحیح است اگر نگوییم صحیحه اعلائیّه است.

در آن‌جا امیر المؤمنین در زمان عثمان در یک جمع ۲۰۰ نفره در «مسجد النبی» بر حقانیت خودش احتجاج کرده است. من از دوستان عزیز طلبه تقاضا می‌کنم دست‌شان را هم می‌بوسم همین آدرسی که بنده دادم «کمال الدین - شیخ صدوق» جلد ۱، صفحه ۲۷۴، البته کتاب «سُلیم ابن قیس» هم با تحقیق آقای «انصاری» جلد ۲، صفحه ۳۰۶ آورده‌اند؛ ولی این روایت، ده دوازده صفحه است.

امیر المؤمنین به آیه:

(إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ)

ولی شما تنها خدا و پیامبر اوست

سوره مائده (۵): آیه ۵۵

احتجاج کرد است.

به آیه:

(يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ)

ای پیامبر آنچه از جانب پروردگارت به سویی تو نازل شده ابلاغ کن

سوره مائده (۵): آیه ۶۷

احتجاج کرده است.

به آیه:

(الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ)

امروز دین شما را برایتان کامل کردم

سوره مائده (۵): آیه ۳

احتجاج کرده، به حدیث «غدير» احتجاج کرده، به حدیث «منزلت» احتجاج کرده به حدیث «رایت» احتجاج کرده؛ یعنی شما هر مطلبی بخواهید برای اثبات حقانیت امیر المؤمنین، آن هم از زبان حضرت علی بگویید در منابع فراوان وجود دارد؛ چون امروز وهابی‌ها می‌گویند شما که این همه می‌گویید علی، خلیفه بوده، علی خودش یک جا نیامده بگوید من خلیفه بودم!

من اتفاقاً حدود ده دوازده جلسه یک ساعت و نیمه در شبکه «ولایت» تحت عنوان «امامت و ولایت حضرت علی» از زبان خود حضرت علی از کتب شیعه و سنی بحث کردم. بیش از ۵۰ روایت در منابع «فریقین» از زبان امیر المؤمنین (سلام الله علیه) برای حقانیت خودش و برای بطلان خلافت دیگران وجود دارد!

خطبه ۱۵۰ «نهج البلاغه» را دوستان مطالعه کنند.

نامه ۵۲ را که حضرت می‌فرماید:

«فَإِنَّ هَذَا الدِّينَ قَدْ كَانَ أُسَيْراً فِي أَيْدِي الْأَشْرَارِ»

شریف الرضی، محمد بن حسین، نهج البلاغة (للصبي صالح)، اجلد، هجرت - قم، چاپ: اول، ۱۴۱۴

ق، ص ۴۳۵

ملاحظه بفرمایند. امیر المؤمنین به تعبیر شهید «مطهری» در دو محور کار کرده هم برای اثبات حقانیت خودش، هم برای بطلان دیگران!

علامه «حلی (رضوان الله تعالی علیه)» کتابی اسم «الفین» نوشته؛ یعنی دو هزار! هزار دلیل برای امامت و خلافت علی آورده و هزار دلیل برای بطلان خلافت دیگران آورده است.

هنر این است من بارها گفتم شما پنجاه تا دلیل برای اثبات حقانیت امیر المؤمنین می‌آورید، طرف مقابل هم می‌رود ۱۵۰ روایت برای حقانیت آقای ابوبکر می‌آورد، بعد می‌گوید دعوا که نداریم هم علی خلیفه، هم ابوبکر خلیفه؛ علی خلیفه چهارم، ابوبکر خلیفه اول یک وجه جمع عقلائی! می‌آید با یک قاعده اصولی شما را خلع سلاح می‌کند.

ولذا هنر آن است همان‌طور که امیر المؤمنین (سلام الله علیه) در دو محور بحث کرده، صدیقه طاهره در خطبه‌اش در دو محور بحث کرده، هم اثبات امامت و خلافت امیر المؤمنین هم بطلان کسانی که مدعی خلافت بودند آن هم نه از منابع شیعه، از منابع اهل سنت! نه با الفاظ خشن و تند و گزنده بلکه با الفاظ لئین:

فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَيِّنًا

و با او سخنی نرم گویند

سوره طه (۲۰): آیه ۴۴

(ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ)

با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت دعوت کن و با آنان به [شیوه‌ای] که نیکوتر است مجادله نماي

سوره نحل (۱۶): آیه ۱۲۵

آن‌هایی که امروز در بعضی از رسانه‌ها یا در بعضی از منبرها، به بهانه دفاع از امیر المؤمنین و صدیقه طاهره، فحش و ناسزا به دیگران و به خلفاء می‌دهند این با منطق اهل بیت نمی‌سازد. امیر المؤمنین این‌چنین نبوده امیر المومنین، «معاویه» را مسلمان نمی‌دانسته نامه ۱۶ «نهج البلاغه» را ببینید می‌گوید:

«فَوَ الَّذِي فَلَقَ الْحَبَّةَ وَ بَرَأَ النَّسَمَةَ مَا أَسْلَمُوا وَ لَكِنْ اسْتَسَلَمُوا وَ أَسْرُوا الْكُفْرَ»

شریف الرضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه (للصبحي صالح)، اجلد، هجرت - قم، چاپ: اول، ۱۴۱۴

ق. ص ۳۷۴

در رابطه با این، «معاویه» وقتی در جنگ «صفین» می‌شنود صحابه به «معاویه» فحش می‌دهند شما خطبه ۲۰۶ را ملاحظه کنید حضرت می‌فرماید:

«إِنِّي أَكْرَهُ لَكُمْ أَنْ تَكُونُوا سَبَائِينَ»

شریف الرضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه (للصبحي صالح)، اجلد، هجرت - قم، چاپ: اول، ۱۴۱۴

ق، ص ۳۲۳

شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، ۳۰ جلد، مؤسسة

آل البيت عليهم السلام - قم، چاپ: اول، ۱۴۰۹ ق. ج ۹؛ ص ۴۲

خدا آن کسانی که زبان فحش و سب و شتم دارند را دوست ندارد. فحش و ناسزا، زینده ما و زینده شیعیان ما نیست. آن روایت امام صادق را من بارها در همین جا در محضر شما عزیزان و در محضر سرور عزیزمان، حضرت آیت‌الله «سعیدی» «تولیت محترم آستان مقدس حضرت معصومه» عرض کردم مرحوم «شیخ صدوق» این روایت را در کتاب «الإعتقادات» آورده است. اعتقادات شیعه!

رفقای روحانی، روایتی که در کتاب «اعتقادی» می‌آید معمولاً قنطره‌های رجال را پشت سر گذاشته روایت ضعیف و غیر معتبر در کتاب‌های اعتقادی مورد استناد قرار نمی‌گیرد. مرحوم «شیخ صدوق» در صفحه ۱۰۸ اعتقادات که این را مرحوم «علامه مجلسی» در «بحار» جلد ۷۴ چاپ «ایران»، جلد ۷۱، چاپ «بیروت» صفحه ۲۱۷ می‌آورد

«أَنَّ قَيْلَ لَهُ إِذَا نَرَى فِي الْمَسْجِدِ رَجُلًا يُعْلِنُ بِسَبِّ أَعْدَائِكُمْ وَ يَسْمِيهِمْ»

بعضی از شما می‌آیند در مسجد فحش می‌دهند و تازه نام می‌برند.

حضرت فرمود:

مَا لَهُ لَعْنَةُ اللَّهِ»

مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار (ط - بیروت)، ۱۱۱ جلد،

دار إحياء التراث العربي - بيروت، چاپ: دوم، ۱۴۰۳ ق، ج ۷۱؛ ص ۲۱۷

این تعبیر امام صادق است تعبیر من نیست!

ولذا ما در این ایام، بویژه ایام فاطمیه باید دقت کنیم دفاعمان از صدیقه طاهره بهانه نباشد به مقدسات دیگران،

اهانت کنیم. هر چه باشد ما از فرعون در عالم هستی پست‌تر نداریم اولین و آخرین نفری است که می‌گوید:

(أَنَا رَبُّكُمْ الْأَعْلَى)

پروردگار بزرگتر شما منم

سوره نازعات (۷۹): آیه ۲۴

نه قبل از فرعون کسی گفته نه بعدش گفته! فقط اوست که می‌گوید:

(فَأُوقِدْ لِي يَا هَامَانَ عَلَى الطِّينِ فَاجْعَلْ لِي صَرْحًا لَعَلِّي أَطَّلِعُ إِلَى إِلَهِ مُوسَى)

ای هامان، برایم آتشی بر گل بیفروز (و آجرهای محکم بساز)، و برای من برج بلندی ترتیب ده تا از
خدای موسی خبر گیرم!

سوره قصص (۲۸): آیه ۳۸

وقتی حضرت موسی و هارون می‌خواهند با فرعون صحبت کند، قرآن می‌گوید:

(فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَيْنًا لَعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَى)

و با او سخنی نرم گوید شاید که پند پذیرد یا بترسد

سوره طه (۲۰): آیه ۴۴

اگر ما دنبال هدایت هستیم باید با زبان خوش و با زبان نرم و با الفاظ زیبا مطالب را بیان کنیم همان طوری که
آقا امام رضا (سلام الله علیه) فرمودند:

«فَإِنَّ النَّاسَ لَوْ عَلِمُوا مَخَاسِنَ كَلَامِنَا لَاتَّبَعُونَا»

ابن بابویه، محمد بن علی، عیون أخبار الرضا علیه السلام، ۲ جلد، نشر جهان - تهران، چاپ: اول،

۱۳۷۸ق، ج ۱: ص ۳۰۷

خدا می‌داند دوستان قسم به این بی‌بی، فاطمه معصومه من به اندازه تعداد موی سرم تجربه دارم با «وهابی» های پست و بد دهان که مواجه شدم جز فحش و ناسزا به من نثار نکردند و من با زبان خوش با آنها حرف زدم به والله العلی الاعلی قسم که در همان جلسه بلند شده و پیشانی من را بوسیده عذرخواهی کرده و این بارها برای من اتفاق افتاده!

ولذا أَلَدُّ الْخِصَامِ مَا، امروز «وهابیت» است به خون ما تشنه هستند، اموال ما را مباح می‌دانند قتل ما را واجب می‌دانند؛ ولی با این‌ها ما می‌نشینیم با زبان خوش حرف می‌زنیم می‌بینیم حرف درست و حرف نرم، «وهابی» با آن خشونت را نرم می‌کند. من مجموعه مناظرات و مکاتباتی که در «عربستان» داشتم در سه جلد به نام «قصة الحوار الهادئ» چاپ شده دوستان می‌توانند از اینترنت دانلود کنند و ملاحظه کنند.

آن بحث‌ها جدا ولی این تجربیاتی که بنده داشتم، با تمام وجود این فرمایش امام رضا (علیه السلام) را لمس کردم

«فَإِنَّ النَّاسَ لَوْ عِلِمُوا مَحَاسِنَ كَلَامِنَا لَاتَّبَعُونَا»

ابن بابویه، محمد بن علی، عیون أخبار الرضا علیه السلام، ۲ جلد، نشر جهان - تهران، چاپ: اول،

۱۳۷۸ق، ج ۱؛ ص ۳۰۷

من یک جمله‌ای در توضیح سخن صدیقه طاهره عرض کنم - و باقی عرائض را جمع کنم چون در «مصلی قدس» هم یک برنامه‌ای داریم که در خدمت عزیزان فضلاء و پژوهشگران مراکز تخصصی هستیم - که حضرت فرمود کتاب الله من هستم، ای مردم! اگر دنبال کتاب خدا می‌گردید کتاب خدا با ماست نه با غیر ما!

خیلی جالب است! «حاکم نیشابوری» در «المستدرک علی الصحیحین» جلد ۳، صفحه ۱۳۴ با صحت خودش و صحت «ذهبی» نقل می‌کند؛ چون اهل سنت می‌گویند اگر یک روایتی را «حاکم» تصحیح کند و «ذهبی» هم قبول کند به منزله ورود روایت در «صحیح بخاری» و «صحیح مسلم» است؛ روایت، روایت مفصلی است که من

ابتدای روایت را نقل نمی‌کنم که یکی از اصحاب می‌گوید در جنگ «صفین» من به شک افتادم که حق با علی است یا «معاویه»؟ پیش «ام السلمه» رفتم قضایا را گفتم «ام السلمه» گفت ذهنت کجا می‌پرد؟ تو کجایی؟ آیا نمی‌دانی پیغمبر اکرم فرمود:

«علي مع القرآن والقرآن مع علي»

علی با قرآن، قرآن با علی است.

المستدرک علی الصحیحین ، اسم المؤلف: محمد بن عبدالله أبو عبدالله الحاكم النيسابوري الوفاة: ٤٠٥ هـ ، دار النشر: دار الكتب العلمية - بيروت - ١٤١١هـ - ١٩٩٠م ، الطبعة: الأولى ، تحقيق: مصطفى عبد القادر عطا، ج ٣، ص ١٣٤

شما در چه دارید تردید می‌کنید؟ یعنی تردید در حقایق علی، در حقیقت تردید در حقایق قرآن است. و این را باز مرحوم «شیخ صدوق» در «کمال الدین» از زبان حضرت امیر نقل می‌کند که پیغمبر فرمود:

« عَلِيٌّ أَخِي وَ وَزِيرِي وَ وَارِثِي وَ وَصِيِّي وَ خَلِيفَتِي فِي أُمَّتِي وَ وَليُّ كُلِّ مُؤْمِنٍ بَعْدِي ثُمَّ ابْنِي الْحَسَنُ ثُمَّ ابْنِي الْحُسَيْنِ ثُمَّ تِسْعَةٌ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ وَاحِدٌ بَعْدَ وَاحِدٍ الْقُرْآنُ مَعَهُمْ وَ هُمْ مَعَ الْقُرْآنِ »

... اهل بیت من با قرآن و قرآن با این‌ها است

« لَا يُفَارِقُونَهُ وَ لَا يُفَارِقُهُمْ حَتَّى يَرُدُّوا عَلَيَّ حَوْضِي »

ابن بابویه، محمد بن علی، کمال الدین و تمام النعمة، ٢ جلد، اسلامیه - تهران، چاپ: دوم، ١٣٩٥ق، ج ١: ص ٢٧٧

در همین جا عرائضم را خاتمه می‌دهم فقط اجازه بدهید یک جمله‌ای هم به پیشگاه مقدس صدیقه طاهره فاطمه زهرا (سلام الله علیها) اظهار ارادت بکنم. من این را بارها گفتم، اگر ریا هم هست ان شاء الله خدای عالم

به آبروی فاطمه زهرا می‌بخشد، یکی از توفیقاتی که خدا به من داده شاید بالای ۳۵ سال هست هر شب قبل از خواب زن و بچه‌ام را جمع می‌کنم یک روزه حضرت زهرا می‌خوانم و می‌خوابم.

من معتقدم اگر نیمچه توفیقی هم خدا به ما داده به این برکت است حتی مسافرت خارج از کشور می‌روم زنگ می‌زنم بچه‌ها را جمع می‌کنم پای تلفن یک روزه می‌خوانم بعد از آن استراحت می‌کنم. من یک شب در «شیراز» برنامه داشتم معمولاً ما که مسافرت می‌رویم دوستان از اول صبح تا ساعت ۱۱-۱۲ برای ما برنامه می‌چینند.

من بعضی وقت‌ها شوخی می‌کنم می‌گویم فقط برای من برنامه نچینند که وقت خوابیدن چه خوابی ببینم! و گرنه برای کل روز برنامه می‌چینند. یک شب خیلی خسته بودم زنگ زدم یک روزه خیلی بی‌حال خواندم. نه تنها به من نچسبید گفتم خدایا آیا این روزه بی‌حالی که می‌خوانیم مورد عنایت اهل بیت است یا نه؟ دوستان قسم به والله العلی الاعلی می‌گویم شب خوابیدم دیدم در یک اتاقی رسول اکرم نشسته، امیر المؤمنین و دیگران هم هستند، رسول اکرم به من فرمود فلانی روزه حضرت زهرا را بخوان آن روزه‌ای که علی خوانده است!

این را خدا می‌داند شاید ده دوازده سال است که من فراموش نمی‌کنم. بالاترین روزه، روزه‌ای است که امیر المؤمنین، امیر المؤمنینی که در طول این مدت کسی اشکی از چشمان مقدسش ندیده ناله علی را کسی نشنیده می‌آید در کنار قبر زهرا می‌گوید یا رسول الله: «قَلَّ يَا رَسُولَ اللَّهِ عَنْ صَفِيَّتِكَ صَبْرِي»؛ دیگر صبر علی تمام شده یا رسول الله، کاسه صبر علی دیگر لبریز شد! «وَأَمَّا لَيْلِي فَمُسْتَهْدٌ» بعد از این، عزای زهرا دیگر شب خواب را از چشمانم خواهد ربود «أَمَّا حُزْنِي فَسَرْمَدٌ»؛ حزن و اندوه من در مصیبت زهرا، تا ابد با من است.

دوستان در جنگ «صفین»، «ابن عباس» می‌گوید من حنایی تهیه کردم گفتم یا علی موی سر و محاسن‌تان سفید شده حنا بگذارید امیر المؤمنین فرمود «ابن عباس» مگر نمی‌دانی ما هنوز عزادار فاطمه هستیم!

(أَلَا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ؛ وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيُّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ)

«خدایا به آبروی حضرت زهرا، فرج فرزند حضرت زهرا هر چه سریع‌تر نزدیک بگردان؛ ما را از یاران خاص و سربازان فداکار و شهدای رکابش قرار بده؛ انقلاب ما به انقلاب جهانی‌اش متصل فرما؛ خدمتگزاران به اسلام و قرآن و اهل‌بیت در هر لباسی هستند و در هر منصبی قرار دارند بالاخص مقام معظم رهبری موفق و مؤید مدار؛ رفع گرفتاری از همه گرفتاران، بویژه عزیزان ما در «یمن» بفرما؛ خدایا به آبروی حضرت زهرا حوائج جمع ما را بر آورده بگردان، دعاهاى ما به اجابت برسان!

هدیه به ارواح پاک انبیاء، اولیاء، صالحین، شهداء، صدیقین بالاخص امام راحل صلوات غزایی ختم بفرمایید.

«والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته»